

(عنوان مراسلات)

اسكندرية

(اداره چهره نما)

صندوق پست

نمره ۵۳۳

ALEXANDRIE
CHEHRE NUMABoite de la Poste
No. 533

اعلان سطري

دو فرنگ در تکرار

باداره رجوع شود

ظروف

وپا کتھاي بدون

تقر قبول نخواهد شد

چهره نما

۱۳۲۲-۱۹۰۴

جریدة مصور

۱۵ شوال المکرم ۱۳۲۲ هجری مطابق ۲۲ دسمبر ۱۹۰۴ میلادی

وجه پست داخله وخارجہ بمعہ اداره است

(قیمت آونہ سالیانہ)

اسكندرية و قطر مصر

سه ريال ۳

ممالك دولت عالیہ ایران

سه تومان ۳

بلاد محروسہ عثمانی

چهار مجیدی ۴

انکاد هندوستان

ده روبيه ۱۰

قفقازیه ترکستان

هشت منات ۸

اروپاچین بیست

فرنگ ۲۰

این روزنامه مصور و آزاد و بدون القاب موقتاً ماهی دو بار و بعد هفته کی طبع و توزیع میشود

اخطار از اداره

بواسطه حروف ناقص بودن (روزنامه چهره نما)
مطلوب و دلچسب بقسمی که ما میخواستیم نبود
بحمد الله اورا تکمیل نمودیم چنانچه میتوان اورا
از حیثیت کاغذ و حروف اول روزنامه فارسی گفت
و بدین جهت یکتاریخ از موقع پس افتاد مادر نلافی
حاضریم بشرط آنکه مشترکین وجه آونہ را
در حق وکلا و وکلا در حق ما بپردازند که اینک
قریب به تمام شدن سال اولست و تا حال دیناری حقوق
اداره از ایران بجز از دو شهر روسیه نریده است

فهرست مندرجات

اخطار - سیاسی - مقصود چهره نما - موسیو پاز پاز قلو
امریکائی - تشکر از معارف پروری حضرت توالا صدر اعظم -
مکتوب از تفلیس - مکتوب رعیت حجازی از قفقاز -
بندر آستاره - باد کوبه - چهره نما - انجمن آزمون
دیرستان کیانی کرمان - مکتوب از شیراز - مکتوب
بی غرضانه یکی از موثقین - چهره نما قابل توجه گار
گداران پست و مکرم - تقریظ - مکتوب از اصفهان -
اسکندریه - تلکرافات عمومی - مکتوب یک از فضلاء
غیور طهران - چهره نما - اعلان

سیاسی

بزرگ دشمن قوی پنجه آهنین بازوی منصور غالب در اقصای شرق که بیک یورش دلیرانه خصم افکن مردانه بشکل نیم دایره محیطی حیثین متحارین روس و اپوزا احاطه و مسخر و اسیردهشت و برودت خود کرده سرمایه و پیمان عساکر منظمه محدوده غیر محسوسه اش در جو فضای منشوریا پریم نصرت برافراشته و از طرفی برضخامت و جسامت وصف آرائی ابرهای متراکمه و تیرگی هوا و وزیدن بادهای کوه شکاف مردانداز و نزول برفهای پیایی و بورانهای دمامد افزوده که قدرت حرکت و تاب مقاومت در هیچ یک از افراد لشگریان باقی نمانده و نفسها در قفسهای سینه ها منجمد گردیده

اگر چه ظنون اغلب سیاسیون دانابر این وحدس اکثر نکته سنجان - پنین است که مکث دولتین متحاربین در این معرکه بزرگ و نبرد سترک بواسطه وسایل مصالح صلح است شاید دری کشاده گردد و اسباب صلح آماده شود و بیش ازین تلال بالیه از کشته های بئی نوع انسانی جبال عالیه نگرده و تنهایی جان و پیکرها بی روان نشود که دو قرن متمادی تلافی مالی و جانی ازین جنک وحشت و دهشت اثر نخواهد شد و امورات مادی و معنوی دولتین ژاپون و روس در تحت نظام اولیه نخواهد آمد ولی ما اگر بیزان خرد بسنجیم و حرکات و حشیانه و سکنتات مذبحخانه روئسای جنکجویان دولتین را در مطرح قوه مدرکه بامتر موشکافی سیاسی حال مقیاس نمائیم خواهیم دانست که هیچ یک از دولتین متحاربین از خیالات واهیة خود پاسب نکشند و حتی المقدور در سفک دماء و نهب اموال مشارکت بنمایند و از قساوت قلب ذره بیزیردستان فرمانبر و لشگریان خون جگر ترحم نکنند خواه سرما آدم بکشد یا که کرما انسان یزد تابا مال میشومه خود نائل شوند

اما ازین طرف بالغ بر سه کرور نفوس ازراکب و مرکوب و آمر و مامور که همچون جراد منتشره در قتل

جبال و صحاری و اتلال وزمینهای غیر مسطحه با پریشانی حال و آشفته گئی احوال پراکنده و دو پار برودت هوا و سختی سرما بودن و راه فرار از هر طرف برویشان مسدود و حمل نقل و سائل گرمی غیر موجود و نایابی ذوغال سنک و هیزم و سایر ناریات که دست بهم داده و از یکطرف امتداد اوقات زمستان و طول سبری گردیدن اوقات شتا با این شداید و مصاعب مصائب نگاهداری و استقامت بخرج دادن از حوصله بشری بیرونست و اگر قدری سرما بر قوه قاهره برودت خود بیفزاید و پیش از پیش نزول برف و باران و تگرگ و بوران بشود (چنانچه هر روز میشود) بخودی خود نصف این لشگر جرار تلف شوند انهم زیاده از نصف آنها لشگریان روس بقلم خواهد آمد بملاحظه بعد المشرقین و گرفتاریهای غیر منتظره که دولت روس را هر روز از سرحد سیریا تا نقطه (مقدن) بین راه ازایل نشینان (هان هوز) و غیره در پیش آید که و خامت شورشیان داخله روسیه بجای خود باشد

اگر چه بتصدیق تمامی سیاسیون عالم و مال اندیشان و پیش بینان دول معظم تاحال ذره دولت ژاپون از خط مقاصد دیرینه و نقشه پیش رفت در فتوحات بینه منحرف نشده و بقسمیکه بسرعت باد و شتاب سحاب حرکت و سیر میکرده باز میکند و تلکرافات همه روزه شاهد حال و کواه احوالست - چنانچه بزرگترین از تلهای مرتفع بندر (پور آرتر) که از اولین تلهای بلند دنیا بحساب است و در بندر پور آرتر اول سنگر منبع متین بود و تل (دویست و سه) متری مشهور و معروف است بانضمام جمیع مهمات سنگری بقبضه تصرف ژاپونیان درآمد و استیلائی باین تله اغلب از ممتعات میدانستند و محقق است چنین تل متین رفیع عالی چه قدر نفوس محترمه را فدائی خواهد تا تسلیم شود پس از تصرفی این تل ژاپون برآ و بجزراً در بندر بر قوت و قدرت افزوده گردید و در ظرف سه روز هشت کشتی جنکی روسرا از کار انداخت و رهسپار هلاکت ساخت و علاوه قلعه (کیکوان) که از اول قلاع متینه بری روسیان بود

بتصرف ژاپونیان در آمده اما سردار جلیل القدر روس (در بندر پور آرتر) (جنرال ستوسل) که امروز در شهامت و دلآوری و شجاعت و بهادری و ثبات قدم و استقامت و فداکاری نام خود را بجلالت و بزرگی در صفحه تاریخی بیادگار گذاشته و در محاصره بندر بارای رزین و عزم متین ایستاده گئی کرده و لغزشی بخرج نداده با وجود جراحت برونی و زخمهای درونی باز در ضمن راپورت‌های خود با علم حضرت امیر اطور روس اطمینان میدهد « اما ما شجاعت و بهادری جنرال نوجی ژاپونیا در استخلاص کردن بندر بیشتر از ستوسل میدانیم » و لشکریان محصور را بآمدن دسته کشتیهای جنگی دریای بالتیک امیدوار میکند با وجودیکه قات خوراک آذوغه و آب بحدی رسیده است که ما فوق تحمل بنی نوع انسانی است و از قوه بشری خارج بوده - بنانچه گوشت اسب و استر هفتگی بگبار میان لشکریان روس در بندر قسمت میشود و در ظرف چند هفته بگبار گوشت کاه بانها رسیده (بر آنکه از رموز و دقائق او امر مؤکده حضرت محمدی صلعم و حکمتهای احکامات محکمه شرع شریف که بقدر وسعت دایره مدر که پی برده اند پوشیده نیست که از خصایص روزه گرفتن و غفلت یکماه دهانرا از همه - یز بستن یکخواصش همین است که اگر روزی در - بنین قلعه محصور شوند بتوانند تاب مقاومت در گرسنگی و تشنگی نمایند افسوس که جهاد را دیگران باید بکنند و روزه را ما باید بگیریم در صورتیکه هر دو در حق ماست) پاسبانان و جاسوسان ژاپون طرق بری و بحری بندر را شبانه روز - بنان مواظبت دارند که بهیچ وسیله از وسایل احدی یارای اطعمه و اغذیه رسانیدن به بندر را ندارد و این نکته مسلم است که جان شریف و پول عزیز است ولی هر - چه دیده و شنیده شده جان فدای پول شده است در این محاصره - بندین ماهه که صیت قات خوراک در هر جا منتشر شده است هر کس می‌تواند حتی المقدور بطمع پول می‌خواهد خود را به بندر رسانیده مالی بفروش و دخلی بنماید با وجود این مراتب از هر طرف ژاپونیان احاطه

کرده و آنچه ظنون اغلب دانایانست این است که قبل از رسیدن دسته کشتیهای بالتیک روس بندر را ژاپون تصرف خواهد کرد چرا که اساطیل بحری و دسته کشتیهای ژاپون دریای اقصای شرق را پر کرده است و همگی منتظر ورود او را دارند و بقرار اخبارات اخیره شش فروند کشتی جنگی سالم الوجود روس الساعه روی دریای شرق موجود هست و در ظرف همین - بند روزه که ژاپونیان بقصد تسخیر بندر همت گماشته اند و راه خوراک و آب بسته اند میتوان آخر ایام بندر گرفت که یا بنجاه هزار لشکر روس تسام می‌شوند و یا از گرسنگی و تشنگی هلاک خواهند شد عبور دسته کشتیهای بالتیک از قنال سویس با انهمه هیاهوها با آرامی و سلامتی گذشت اینک مستحفظین قنال انتظار دویمین دسته کشتیهای جنگی روس را دارند و بقراین تاحال دوات عثمانی اجازه عبور کشتیهای دریای سیاه روس را از در دنیل (- بنار قلعه) نداده است و صراحتا کویا دولت روس را جواب داده و انگلیسان آنچه لازمه سعی و کوشش بوده بجهت امتناع مطلب در دربار عثمانی بخرج داده اند و دوات روس تواند از معاهده پاریس تجاوز کند باز روس در اصرار خود باقی است و الا فایده بجهت اقصای شرق نخواهد داشت ازین رو خاطر روس زیاده آشفته است و از طرفی شورش بلوآئیان مسکو و طلاب بلاد روسیه مسلمانان (غازان) و (قرم) مزید بر علت گردیده و همه روزه آتش فتنه درونی و بیرونی دارد

مسئله صلح و سلم که بنیدست رئیس جمهوری آمریکا (موسیو روزفلت) بهر جا انشمار و از دول موجوده مشارکتر خواستگار شده اغلب از دول معظم دعوتشرا اجابت کرده اند و شرکت در این مجلس را امضا گذاشته اند در صورتیکه هیچ - یک زبان و دلشان یگی نیست با وجودیکه از دل تازبان راهی نیست میتوان بعد المشرقین مسافت قرار داد

بقراریکه بعضی جراید آوروپا مذاکره دارند نقشه امورات سیاسی و کشوری و لشگری دولت علیه ایران در ظرف کمی تغییر کلی پیدا کرده است و دولت علیه ایران از دولت

آلمان چند نفر سردار جنگی طلب کرده است که بمذقی کم عساکر ایران را در تحت قواعد جدیده جنگی بیاورند و هم چند نفر معلمین دار الفنون ژاپون بطرف ایران حرکت کرده اند معلوم نیست دولت علیه ایران آنها را خواسته یا خود روانه هستند. کمسیون تجارقی انگلیس که رهسپار ایران گردیدند و پروگرام توقف و سیرشان در ایران ششماه معین بود بقراین سرما و ناپسند شدن منازلها (بغی طویلها) آنها را قهراً منصرف از طی مقاصد کرده و خیالشان بطرف افغان و منضم بکمسیون سیامی افغان شدن شده معلوم است اینها باباس دورنگ و بحقیقت بکر نکند

* مقصود چهره نما *

غرض از روزنامه صورتی و عکس رسم کردن در (چهره نما) بامصارف زیادان بود که کسانی که خدمت بدول و ملل عالم عموماً و در داخله ایران خصوصاً کرده اند عکس آنها را بابناهای خیریه آنها از قبل مکاتب و بیمارخانه و غیره غیره مراسم داریم و شمه از حالشان بنکاریم تا باعث تشویق دیگران بشود و لی بدبختانه تا حال آنچه گنج کلوی کرده ایم و ننحص نموده ایم از ایرانیان چیزی بدست نیامده مگر یکی دو فقره که در آینده رسم خواهیم نمود باشد که دیگران از هموطنان



اول متمدن عالم موسیو پاز بازقلو

هنر از بغیرت آمده اقدام در مقاصد خیریه بنماید اینک عکس این اول شخص غیور متمدن ملت خواه وطن پرست امریکائیا که چندین کرور صرف ابیه خیریه و مکاتب ملیه کرده مراسم میکشیم اما با کمال شرمندگی و ۰۰۰

تشکر از معارف پروری حضرت توالا صدراعظم

از شماره (۱۴)

بشهادت تاریخ دنیا هبوط و صعود ملل بسته بمراتب دانائی و نادانی آنهاست اگر وزرایی که در راس اداره هستند به کلمه طیبه علم همراهی کنند که اصلی ثابت و فرعی نابت دارد از ثمرات دولت و سعادت قوم بر خور دار میشوند و اگر برخلاف این روند در بیابان جهل بخوردن بار خار باید بخواری روزگار برند شاهد این معنی حدیث معارف پروری شخص اول ایران سبب شده است که مثل من بی بضاعتی که گرفتار مشاغل ناهموار تجارت هستم و مشهور بعدم قریمه و ذکاوت قلم گرفته‌ام و اظهار حیات میکنم ولی یقین دارم که ارباب خیرت و خداوندان بصیرت زلات قلمیم را عفو خواهند فرمود و در مقام تشکر از پاره‌ها که من از ادای ان اظهار شکستگی نشان دادم بدرستی از عهده برخواهند آمد (کوی توفیق و سعادت در میان آفکنده اند) چرا این قدر این آثار حمایت از معارف که باصول دول متمدن فرض یک حکومت است به تکبیر و تعظیم می‌ستائیم و همشهر یهای خودمانرا بزرگ و کوچک بعرض تشکر دعوت میکنیم این سئوال را همه کس میتواند بکند جواب این سئوال مقدر را باید از زبان شیرین دنیا شنید که در حکومت‌هایی که غیر مشروطه است یعنی اختیار همه چیز مردم در پنجه اقتدار دولت است همیشه خوش بختی و بد بختی این قسم سلطنت و مردم بسته پایکی و ناپاکی و دانائی و نادانی و زراست مثل اوراق پریشان حکومت ایران را بعد از خرابکاریهای وزیر ما کوئی دست همت مرحوم میرزا تقی خان امیر اتابک نور الله مضجعه در ظرف سه سال دفتر کرد و جاه طلبی و خود خواهی رفیق مازندرانی باتمام ان زحمات را به درد داد بخیلی دور زویم و از ملک‌شاه سلجوقی و خواجه نظام الملک یا هلاکوخان و خواجه طوسی صحبت نکرده باشیم (شاهد مدعا چرا درین هزار و کسری تاریخ ایران پادشاهی

بجلالت ملک شاه سلجوقی نشان نمیدهد بواسطه آنکه وزیری مثل خواجه نظام الملک نشان نداده است) بدون تعارف اگر ما ازین بند جستیم و شیشکی بروی حریف زبردست بستیم و دوباره آب رفته را بجوی آوردیم و سر نهفته را از پرده بیرون گذاشتیم باید این حیات مجدد و این عمر تازه را حاصل فکر خودمان ندانیم بدی کار درین جاست که ما این قدر مستیم که در دریا افتاده بودیم مشرف بهلاکت بودیم یک بیچاره آمده است باهزار لطایف حیل مارا از گرداب فنا رهایی داده است و ما هنوز بهوش نیامده ایم که در چه موضع بودیم و بکجا آمدیم با باز دیک بود بل را آب ببرد پادشاه دعا کن بخدا شکر که یک مدتی از ملاقات بانا نارها بی بهره ماندیم امید داریم که بکلی نا امید شویم (مدعی گر نکند فهم سخن گوسر و خشت) تقریظ من تاجائی که بشرح حالات پولتیکی دول همسایه را میکند لا محاله مغلق و سر بسته است به بعضی ملاحظات باز کردن کره اغلاق بعده خود شماست می‌خواهید شرح بدهید صلاح نمیدانید سر بسته بگذارید وقت من از برای قواعد فنی در شعر مساعد نیست الفاظ هر چه خوشکل باشد در بد کلی معانی فائده ندارد و وقتی که معنی قشنگ شد صورت کلمه هر چه نا تمام و جفنگ باشد اسباب دل‌تسکی باید که نشود (قبا کر حریر است و گر بر نیان * بناچار حشوش بود در میان

مکتوب از تفلیس

جناب مدیر پاک ضمیر روزنامه ملی اسلامی چهره‌نما را در کمال فروتنی زحمت میدهم چندیست که از افق شرق اسکندریه چهره تابنده چهره‌نما چهره شرقیان را و اسلامیان را روشن فرموده الحاق میتوان این جریده ملی را که از امتیازات شرق و شرقیان سخن راند اول جریده شرق

بسر حد کمال رسیده است که ناآرامی او خلع حجاب است جناب حاجی زین العابدین تقی اف باد کوبه در شهر بادکوبه یگباب مدرسه بجهت بنات مسلمانان باز فرمود چه قدر مصروف نمود و بضرط طلا ریختن در خاک خواست نسوان را بلکه تربیت بفرماید اول مقدمه و شرط مدرسه را حجاب معین فرمود اقامه خواهد زنان مسلمانان که بوی مکتب بمشامشان نرسیده است حریت در حجاب پیدا کنند خوب بود مقدمتا مردم تفلیس و قفقاز را و ادار میگردند به باز کردن مکاتب نسوان و بعد به بی حجابی میپرداختند بقول معروف توکار زمین را ساختی که با آسمان پرداختی یکنفر را بخیا ل انداختی که مثل زنده جاویدی جناب تقی یوف مدرسه باز کند (الله الله زین مسلمانی ما)

عماد افندی یعقوب زاده

نماید ماها از زور غفلت و عدم بصیرت و سواد و نه بردن پی بمبدأ و معاد نام شرق و غرب را نمیدانیم که چیست و چنان در سایه بی موالاتی خفته ایم و از اساس خود چیزی نگفته ایم که همه گونه تعدیات غریبانه که تازه ببازار تمدن و انسانیت قدم گذاشته اند سهل البیع بجان و دل میخریم فرضاً از خاک شرق یک نفر ادیب دانا و سخن گوی قدرت دار پیدا شود اول انهم شمشیر بی تعصبی و خنجر بی غیرتی بروی اهالی شرق میکشد و یک جزئی از تمدنات قدیمه و رسومات پاکیزه شرق سخن نرانده اقدام به ناملایمات هوسناگانه مینماید در واقع امروز شرقیان باید باین نعمت پرفیض و برکت و این اوراق مشحونه پاکیزه (چهره‌نما) شکرها نمایند و هر صحیفه غرابی را زین کتابخانه علمی بنمایند عبث مغرضانه بیاناتی نکنم که کج روشن ژانگویی پریشان فکر حمل بخیا لالت بافی کنند تا امروز هیچ یک از جراید مسلمانی در پیش تقدیمی شرق سخن نرانده بود و اول کسیکه پابدایره این امر مهم نهاد است چهره‌نماست یک از جراید شرق مثلاً شرق روس است که منطبعه تفلیس است انقدر مذمت از شرق و آداب و رسوم شرقیان مینماید که نوبت بمطلب دیگر نمیدهد گذشته از اصلیات و تمدنات قدیمه شرق که تمامی شالوده اش از حکمت‌های کافیه است هیچ یک از حکما و فیلسوف‌های غرب در مذهب انصاف موضوعات و اوامر و منیات شارع مقدس را که بهترین سرمایه خوش بختی است منکر نشدند و تصدیق کرده اند که اگر بخواهم یگان یگان بشمارم (مثنوی انسان شود که چل شتر * گر کشد عاجز شود از بار بر) از مطلب دور نشویم و وضع روزنامه نویسی داخله روسیه روشن است این اوقات جناب ... شاه تخته نسکی مدیر شرق روس دست درازی بچادر عفت و عصمت احکامات محکمه شرع شریف دراز نموده و چندیست جزیده را از خرافات پرکرده و از مضرات حجاب و محسنات حریت و بی حجابی نسوان سخن میکوید این باطیل معلوم است بمد خیالات چندین ساله دولت بهیه روسیه است تربیت نسوان مسلمانان قفقازیه ما الحمد لله

مکتوب رعیت حجازی از قفقاز

... چهره‌نما بعضی از رعایای قدیم دولت قویم علیه ایران در داخله سواحل بحر خزر و در بلاد قفقازیه بانواع حیل و تدابیر کارگذاران دولت متبوعه و فرمان روایان مملکت شمالی را اغفال نموده مشغول به ترک تابعیت هستند من جمله چندتن از اهل تبریز و چند نفر ارده بیلی و حزبی هم از اهالی کیلان مخصوصاً رشت و انزلی و مردمان خیلی جاهای دیگر از دوسنه گذشته تا چهار ماه قبل تبعیت دولت علیه ایران را وداع و بدرود گفته تذکره تبعیت دولت همسایه را (روس) بدست آورده نقدا در داخله مثل گرگان آدمی خوار منتشر شده در صدد آزار و تخریب خانواده این یکمشت باقی مانده گان فرسوده بدبخت ایران و در دعاوی ملکی وارثی نامناسب و قدرت نمائی تاسی مینمایند نه جلوگیری در مقابل است و نه فریادرسی و نه حکیمی که عللاجی از دستش برآمده و سدی در مقابل این گونه سیل‌های فتن برپای

باین دولت وان دولت به بندند) اگر ددم یکی بودی چه بودی اگر غم اندگی بودی چه بودی (چهره نما



آستاره

وقایع نکار چهره نما مینگار د مدتی بود بواسطه ناتمامی راه شوسه (مظفری) قافله باید از راه نظامی شوسه روس که - بند میل بیشتر نبود عبور کند و حق عبور آنها را راه دار روس از هر مالی دهشاهی میگرفت که هر روز هفتاد الی نود تومان میشد و این مداخل عاید پودراتچی (مقاطعه گر روس میشد بحمدالله این اوقات راه بسر رسید که دیگر قافله محتاج بر راه روس نیست تمامی از راه مظفری میروند راه شوسه روس دوسه فرسخ بیشتر نیست بقرار سر حدی که خائنان دین و دولت پیدش آورده اند بیچاره - بار و ادارها از خش و کتک (سالداتها) سر بازان روسی آسوده شدند خدا میداند که درین مدت - به قدر بنده گان خدا از دست (سالداتها) سر بازا اذیت و آزار کشیدند پول میگرفتند بیک پاپروس بند بودند کتک هم میزدند عجالتاً راه تا اردیل صاف شده است و ثلث او باتمام رسیده است و حق ثلث راه یگقر ان میکیرند و بلیطهای مخصوص - چاپ شده است و روی هم حالیه روزی از دو یست تا چهار صد تومان عایدی راهست و این پول حق ثلث راهست که میگیرند بعد از آنکه راه تمام شد (گاری اراده (دیلیجان) در شبکه اسب شتر که در این راه کار میکند هر یک جدا گانه باید حقی بدهند و معلوم است انوقت عایدش از روزی هزار تومان زیاد تر است در این دوسه ماهه جناب ملك التجار جناب مقرب الحاقان اقاي مهذب الملك را فرستاده بودند با آستاره معزی الیه در کمال دقت ترتیبات را منظم کردند در چند جا مهمانخانههای خیلی خوب بنا کردند در آستانه مفتش و دفتر دار قرار گذاشتند تمامی رودخانهها را

نماید همانا باید حکمران جلیل القدری امور فرما نفرمائی خود را بماهی شش هزار تومان بفراشبای و پیشکارش اجاره داده با کم و زیادش مشغول به تفریح و مسافرت و عیش نوش گردد اما اینکه از دوسه قبل تا الی حال تبدیل تابعیت نموده در داخله ایران کنون تبمه خارجه واجبی بشمار میروند همه را باسم و رسم میشناسم ولی از شرم نتوانم بیان کرد من جمله مشهدی محمد اقا نامی است رشتی پسر مشهدی قاسم علاف ابن مشهدی حاجی علاف که جدا ابا عن جد رشتی است تا دوسال قبل تبعه دولت علیه ایران بود و از تجارت بادکوبه و شکست شده مال جمعی مسلمان یهود و روسی بی پا و حیف میل نموده برشت فرار کرد در ظل دامادش پناهیده شد برای اعتراض طلب خواهش فوری تذکره تابع بودن بدولت روس را از بغل بیرون آورده ارائه میدهد (حریف مجلس ما خود همیشه دل میرد علی الخصوص که دیباچه براو بستند) حریفانرا به نه دستار بهر حال اینگونه مردمان نامعقول بی غیرت دولت و ملت را در انظار خودی و بیگانه خوار و بی مقدار مینمایند خداوند هدایتشان فرماید و غیرت مردمی بایشان عطا فرماید در این عریضه بهمین یک نفر اکتفا نموده تا در عریضه آتیه با دله و براهین متینه دیگر آنرا تعداد نموده اسامیشارا برای روشنی چشم اولو الابصار صورت میدهم تفحص این حال و تفتیش این احوال بسته بکف کفایت و کاردانی اولیای دولت قاهره است ولی - به سود از زیادی نعمت و ثروت و مکنّت بخود نیستند چه رسد در اعمال خیریه و امورات دولتی سیدگی فرموده مساعی جمیله بکار برند یکی برای عیش و سر و خود از شرق بسوی غرب مسافرت نماید و دیگری از جنوب بشمال رود و درگاه مراجعت از زحمات خود وصف کند و گوید من در فلان مجلس چه . . . شدم فدائی اسلام (ما در آتیه باین وقایع سیئه و سبب وقوع آنها مشروحاً میپردازیم و بسعم اولیای دولت قوی شوکت ایران یکایک را میروانیم که چرا ترک تبعیت کرده و میکنند و جهت چیست خود را میخواهند در کمال پرروئی و بی شرمی

بمناسبت جا از تحفه و پهلای آهین روپوش کردند انشاء الله بعد از اتمام راه و سرازیر شدن مدخل انوقت بلکه مردم بفکر این کارها که بهتر از کیمیا گری است بیفتند و راه مداخل یاد بگیرند و این قدر راهها که داریم شوسته کرده درست کنند دیگر از تفویض شدن حکومت این صفحات بمحضرت اشرف نصر السلطنة مرهم جانی تازه گرفته اند و مملکت آبادی نوي که بعد عرض میکنم

باد کوبه

وقایع نگار چهره‌نما مینگارد دو یوم قبل حضرت اشرف پرنس ارفع الدوله امیر نویان با کشتی (آبو) متعلق بجناب حاجی زین العابدین تقی اف از طریق بندر انزلی دو ساعت از شب گذشته در حالتیکه باران لاینقطع میبارید بساحل باد کوبه با احترامات فوق العاده نزول اجلال فرمودند هنگام ورودشان قونسل و تجار و از جانب حکومت جماعتی حاضر بودند حضرتشان به یکایک احوال پرسى و اظهار بزرگ منشی و ملت خواهی کرده در فایطون (عرا به) مخصوص سوار شده بمعیت چهار نفر قزاق سوار مخصوص دولتی در کار پردازي ورود فرمودند حاکم باد کوبه مهمانی مفصل که لایق چنین مهمانی بود نموده ظاهراً از پترسبورگ سفارش شده بود که در ورود و خروج حضرت اشرف کمال احترام بجای آورند پس از توقف دوشب یگروز و مهمانی کامل با قطار راه آهن از طریق تفلیس و بار زوم بسفارت فوق العاده به پترسبورگ رهسپار شدند مامورین دولت ایران در قفقازیه استقبال و بدرقه شایانی کردند خصوصاً میرزا اسماعیل خان دبیر الممالک قونسل باد کوبه که ذره کوتاهی نداشت در جراید رسمی و غیر رسمی طهران از مسافرت این شخص معظم تا کنون مطلبی خوانده و دیده نشده لکن جراید روسیه و قفقازیه انتشار

دادند که برای بردن تحف و هدایا بمولود تازه و ولیعهد دولت روسیه مامور بسفارت فوق العاده پترسبورگ از طرف دولت متبوعه خود منتخب و سرافراز گردیده و ضمناً هم برای مصالح سیاسی و چه وجه . . . دیگر در پند قبل اظهار داشتم که جماعتی را قونسل باد کوبه خوانده و نطقی کردند نطق ایشان باهالی ایران این بود (اقایان مقصود از طلیدن شماها این است که باید فکری کرد از برای حفظ الصحة و مریضخانه بجهة ابناء وطن و برادران دینی خودمان هر کس هر چه عقلش میرسد بگوید و رأی بدهد که فکری حسابی بوده باشد آخر تاگی ماها باید در این ولایات بی همه چیز بوده باشیم) خلاصه هر کس رأی داد و حرفی گفت و نطقی کرد عاقبت آراء مجلسیان بتصویب قونصل بر این قرار گرفت که دو عباسی منات بر هر تذکره بیفزایند یعنی بر قول کشیدن هر تذکره زیاد کنند مثلاً حساب کردند از محرم الی رجب هفده هزار تذکره عبور در قونسلخانه باد کوبه قول کشیده شده و سیزده هزار تذکره اقامت داده شده باین حساب سالرا حساب کردند بهر تذکره دو عباسی منات که (دو قران دو عباسی) پول ایرانست و پنجاه هزار است میشود بیست هزار منات که در ظرف یکسال جمع خواهد شد ممکن است هر بنای معتبر از او پا کرد و در مدت دهسال میشود دویست هزار منات معلوم است انوقت بمرور زمان ازین صندوق خیریه بسابناهای خیریه از قبل مریضخانه غسالخانه قبرستان دار العجزه دبستان و غیره که تمامی متعلق بمسلمان ایرانی داشته باشد موجود میگردد و پس از ترتیب بقاعده مجلس و وکلاء و صند و قدار و غیره بامضا دولت علیه ایران رسانیده اجرا نمایند حال در این گفتگو هستند اما مجلس اعضا بر قرار نشده عجله دو عباسی منات را گفتگو است بگیرند تا بمرور مجلس شود و ترتیبات بدهند بعد مینویسم

چهره‌نما

نه تنها جراید قفقازیه و روسیه از مسافرت پرنس ارفع الدوله به پترسبورگ داستانها گفته و رایها داده اند جراید

فرنگ اروپا حتی روزنامه های یومیه عربی و ترکی هم عقیده در این مسافرت داشته و در تحت این عنوان بافکار بالیه و خیالات خالیه خود چیزی نگاشته که هیچ یگبر انمی شود تصدیق کرد اما عقیده ما بر این است از آنجائیکه باقتضای سیاسی امروزه که تمامی دول معظم مجسمه فکر و قائمه تدبیرند و هر یک دودسته کلاه خود را میگیرند دولت علیه ایران را بصیرت بست بسزا و بخوبی واقف بمواقف پولتیک عصر حاضر است و نسبت بجمع دول علی الخصوص هم جواران شمالی و جنوبی (انگلیس و روس) در کمال مذاقه رفتار میکند محض مزید دوستی دیرینه و اتحاد و یکجهتی دولتین (ایران و روس) دولت علیه ایران حضرت اشرف پرنس را نظر بلیاقت کافیه بسفارت فوق العاده و تبلیغ تنیست و تحف شاهنشاهی در مورد مولود اعلی حضرت امپراطوری که ولیعهد دولت روس است منتخب فرمود و از سایر دول معظم نظر بمقوق هم جواری و سجایای عالیه که همواره دولت علیه ایران از قدیم الایام دارا بوده تقدم جست دیگر این یاوه سرائیهای جایدار و پعموما و انگلیس و روس خصوصاً ذره محل اعتماد و توجه نیست و باید دانست که اینها همه روزه ازین قبل لاطایل میسر آیند لیکن (لقمان را گفتند ادب از که آموختی گفت از بی ادبان) در صور تیکه هیچ یک این اقوال جاید در لباس رسمیت و حقیقت نیست باز خوب است اولیای دولت قوی شوکت همواره طرف توجه بدقایق امور معطوف دارند خداوند کوش شنوا و دیده بینا و زبان گویا بما بدهد

و اما از باب مجلس و نطق جناب قونسل . . و دو عباسی منات اینک دولت علیه ایران پس از زحمات بسیار و مصارفهای کزاف که متحمل شده اداره تذکره را بقسمی در تحت قانونه آورده و تمر دولتی معین فرموده که مسافرین بلاد خارجه تکلیف خود بدانند و قناسل بلاد دول متحابه و وظایف مقررده معینه خویش را بشناسند و مواجیهای گراف گرفته و وسایل تحت کردن رعیت که بمنزله اولاد پادشاه هست فراهم نیاورند عجیباً امروز که قونسل

باد کوبه با سم صندوق خیریه دو عباسی میگیرند که بقول جماعتی عوام مجلس نشین در سالی بیست هزار و در ظرف ده سال دو بیست هزار منات میشود در ظهر (باش برد) تذکره بچه اسمی و بچه علامتی قید مینمایند و پهلوی تمر دولتی بچه عنوانی شرکت مینمایند بدون استحصال اجازه و استیذان از وزارت جلیله امور خارجه بانکه ابدي در سر لوحه تاریخ اسم خود را به بدنایمی خواهند گذاشت و باعث بدعتی شده مثل قناسل اسبق جده و گاری از پیش برای ملت نه برده بخدای لایزال و منتقم حقیقی بجهت یکمشت رعیت بیچاره از وطن آواره مصیبت و بلاکش دیگر رمقی باقی نمانده که هر وزی بعنوان مختلف کلاه کاغذی برایشان بدوزند بسم الله قونسل اسبق باطوم میرزا احمد خان که حالیه مفتش حدود و سیه اند چه قدر پول از ملت گرفت با سم عمل خیریه غسلخانه حصار قبرستان و . . چه کرد جمع و خرج پول را که دید جهت چه بوده مردم راغب نیستند اولاد خود را بمدرسه نوروز و لاد قفقاز بسپارند عدم اطمینان . .

امروز جنس ایرانی با هزار بی دماغی که ضیق مدر که آورد سراپا چشمنده و خوب میفهمند و میدانند که اگر این قناسل که آینه سرایای نمایی دولت هستند و سمت نمایندگی از طرف ولینعمت کل پدر تاجدا و حقیقی ایرانیان دارند پدرانه رفتار میکردند این فرزندان از جان مضایقه نداشتند کدام عملی این قناسل در خاک خارجه نکردند که پس از دوروز عفو نقش عالمی را نگند آید کدام بیچاره ایرانی جان نداد که اینها قبل از مرده شور بسر اسبابش حاضر نشدند و هنوز مرده اش در زمین بود که ما یملک اورابه یغما نه بردند او بیچاره ملت مظلوم دولت

باری چنانچه ما گفته ایم بحول و قوه الهی صفحات چهره نما را از سیئات و حسنات هر یک از رؤسای دولت و ملت بانضمام عکس آنها محض سر مشق و عبرت سایرین مملو خواهیم کرد که تا ابد الدهر در تاریخ روزگار علام نیکی و شواهد زشتیشان برای آیندگان بماند

امتحان مدرسه زرتشتیان کرمان

(انجمن آزمون دبیرستان کیانی)

وقایع نگار - بهره‌نما مینکارد در جمعه چهارم شعبان ۱۳۲۲ برابر آغاز خور دادماه باستانی ۱۳۷۴ مدرسه زرتشتیان کرمان که موسوم است به دبیرستان کیانی امتحان اطفال زرتشتی بود جنابان جلال‌آب اکرام‌الملک گارگدار و امیر الامرا و میجر سائیک قونسل انگلیس و مختار الملک کلانتر و میرزا احمد خان سررتیب رئیس تلگراف و معتمد الوزاره و وکیل الدولة روس و انجمن و گروهی محترمین حاضر بودند نخستین از جانب معلم کل میرزا کیخسرو یگورق گاغذ سفید که در روی آن با قلم شش‌دانگ بسیار جلی و خوش خط نوشته بود (شاهنشاه ایران زنده پاینده باد تراج) و توی انحر و فرا باشکال متنوعه نقاشی کرده بود تقدیم نموده همگی حیران و آفرین گویان ضبط گارگداری گردیده ثانیاً برخی از کودکان که خطابه‌ها ساخته بودند حاضر شده بلفظ (فرس) و انگلیسی خطابه‌های خود را که عبارت از ستایش شاهنشاه دل آگاه ایران پناه و صدارت عظمی و وزارت امور خارجه و ایالت کبری و خاصیت دانش و تربیت بود با کمال فصاحت قرائت نمودند زه زه و به به از همه برخاست ثالثاً یکی از کودکان که سیصد صفحه بیست پنج سطری تاریخ جنگ انگلیس و ترانسوالرا بفارسی با کمال انشاء پر دازی نوشته بود هم بزبان انگلیسی و هم بفارسی داشته هزاران آفرین شنید بعد اطفالی که نقشه جهان و ممالک را بطرق متنوعه کشیده بودند اشکار کردند سپس از امتحان پس دادن خود همه رامت نمودند چون در امتحان ششماه قبل نیز هنرهای پسندیده ظاهر نموده بودند و از جانب دولت ابد مدت ایران نسبت به معلم کل میرزا کیخسرو بروز مرحمت با عطا ی یکقطعه نشان خیر و خورشید طلا بواسطه وزارت امور خارجه و از جانب دولت انگلیس یکقطعه نشان شمال ملکه انگلستان از درجه دوم شده بود در این روز نشانهای دوکانه پافرامین

انها مع دستخطی از جانب حضرت اشرف و الارکن الدوله فرما نفرمای کرمان و بلوچستان بایکطاقه شال کشمیری اعلا به معلم کل مذکور مرحمت شده پس از صرف شربت و شیرینی و گرفتن عکس مجلس بدعای بقای ذات پاک همایونی بزم ختم شد و چون معلم کل در خانه خود نیز بعلاوه مدرسه تدارک جشنی گرفته بود آروز و شب تمام اسباب عیش و جشن مهیا و ترانه‌های کونا کون بزندی شاهنشاه دل آگاه از گروه حضار ظاهر میکشت و روز بعد که دیدنی از حضرت ایالت کبری شد حضوراً نیز بسی مرحمت و آفرین فرموده یکی از کودکان خطابه خود را ظاهر کرد و مورد آفرین شد و خطابه مذکور و ترجمه ترانسوال و بعضی نقشه‌ها و ورقه معلم کل را بدست مبارک ملاحظه و ضبط فرمودند و چون بعلاوه این مدرسه پسران و دو مدرسه دخترانه که حالا در میان جماعت زر تشتیان کرمان دایر است مبلغی معتابه زر تشتیان روی هم کرده تا مدرسه بزرگ بوضع جدید بسازند تا اکنون بعلاوه قیمت زمین که متجاوز از یکهزار پانصد تومان میشود متجاوز از دو هزار تومان صرف بنائی شده و احتمال میرد دو مقابل مبلغ مذکور صرف شود تا کار بنائی با تمام رسد امیدوار است برای امتحان آتی در آئمه جدید امتحان واقع شود



مکتوب از شیراز

بهره نمود که بیچاره نماید عشاق * عاشقان مرده این بهره‌نما چاره کشاست (الحق و الانصاف روزنامه چهره‌نما مستغنی از تعریف و مکتفی از تمجید و .. در شماره هشت شرحی از اقدامات و مساعی شخص محترم حاجی زین العابدین تقی اف تاجر باد کوبه که رتبتی والا و مقامی اعلا دارند و جناب آقا محمد حسین رئیس التجار بجهت ایجاد چراغ الکتریک در شت مرقوم فرموده بودید همواره این مردمان

عجب مطلب مختصر قلیل اللفظ کثیر المعنی است معلوم میشود امروز عمل پست از تمامی اموری که در بین دول و ملل جایست اهمیتش پیش است از آن سبب دول بزرگ شغل پست را بیگ دولت محول کرده اند که همه روزه اسباب معطلی و جواب سؤال برایشان نباشد در هر نقطه جنگ و جدال بوده باشد عمل پست منظم است و در هر نقطه و بلاد دنیا ملاحظه میشود هنگام توزیع خطوط اعلامی نا غنی فقیر مذهب داری مذهب ایستاده مطالبه خطوط مینمایند و پست حی کاغذها را بالسویه توزیع و بهر کس میدهد و ملاحظه تقدم و تاخر ندارد اما برعکس بلاد ما اول باید ینک نیائی بعد آور و پائی بعد تر انگلیس روسها آخر همه ایرانیها در صورتیکه ریاست خانه پست امروز در تحت ریاست شخصی واقع است که او از آداب و رسوم امروز خوب آگاهست و باید با السویه باشند علاوه بعضی مفاسد دیگر در کار پستخانه و رؤسای جزو دیده میشود که میدانم هرگز بیس کل نوز و راضی نیست تا آمدن چه فتوی دهند و رفع کرده باشند

چهره نما

(قابل توجه گارگذاران پست و مکرم)

تأحال از نقاط متفرقه ایران خطوط چندی از تجار محترم رسیده است و هر یک بنوعی نعمه سازی و سخن پردازی کرده و شکایتهای بی معنی و بامعنی داشته ما بملاحظه دو مطلب مهم - ششم پوشی از درج آنها کردیم یکی بواسطه عدم اطمینان از صاحبان خط بجهت نداشتن امضا و غیر معروف بودنشان دویم بواسطه اهمیت نداشتن این قبل شکاوی مثلاً کاغذ حاجی اقا زودتر و کاغذ حاجی ارباب یرتر اند این گونه مطالب ابد قابل توجه نیست و هیچ یک از اعضاء اره جات پست مسئول نیستند لیکن ما در ضمن یکسطر مطالب - ندی مینکاریم که خواننده گان توجه کرده و بعدها می واریم کسی شکایتی نکند شخص (موسیو نوز) رئیس کل مکرمات

عزیز وطن پرست از این اقدامات مطلوب و نیات مرغوب باعلا درجه نیکنامی ارتقا جویند و با سعادات و خوشی هم آغوش کردند اما افسوس که ایجاد چراغ برق برای شهر رشت بلکه بجهت غالب از شهر های ایران هنوز زود است زیرا که همه مطعیم تنظیمی از محلات نمیشود احتساب و عمه منظمی در هیچ نقطه نداریم و کذاک یر هائی که لزومش قبل از ایجاد چراغ برق باید باشد صورت وجود ندارد عا میندا خوب بود بجای چراغ برق دستگامی از شمع ریزی و ماشینی از کاغذ سائی بایران آورده دائر مینمودند و اهالیرا از این دو متاع خارجه مستغنی میفرمودند یا کارخانه - پلوار باقی که اموات مادر منسوجات خارجه نمی شد دائر مینمودند و منظم نگاه میداشتند هر گاه خارجهها بما - پلوار نفر و شند اموات ما بی کفن و زنده هائی پیراهن خواهند ماند اکنون که بعون و توجه شاهنشاه عادل جوان بخت که وزیرش بی نظیر است و پسندیده بر ناو پیر ایرانیان قدم در عرصه ترقی گذاشته اند لازم است که اقدامات ادلیه از روی خرد و اندیشه باشد انشاء الله عنقریب اخلاق ما بافر و ختن چراغ برق نائل خواهند شد (عبد الرحیم رفعة الممالک)

مکتوب بی غرضانه یکی از موثقین

مدیر . . . چهره نما در سنه ۱۳۱۵ هنگام مشرف شدن بمکه معظمه زاد الله شرفاً و تعظیماً محض سیاحت و تماشای شهر قاهره - پند وزی بمصر آمدم بتوسطه شخص دلالی اغلب جاهای تماشا تیر اسیر کردم خدمات انگلیسان که اغلب فقط مبنی بر نوع پرستی و صرف توسعه دادن بعالم بشریست (هرگز انگلیسها - بنین نیستند) سیر کردم در پستخانه دیدم خطی بقلم سه دنکی جلی نوشته بود (الدلیل المفید اشغال البرید)

بود ذکر م به تقدیس افانیم
 ولي پیش قضا افتاده تسلیم
 روان شاه قسطنطین بسی شاد
 که کرد این شارشان انشاء آباد
 نکو رویانشان بیرون ز توصیف
 نگنجد حسنشان در حد تعریف
 تن رومی و موی زنک دارند
 چو کل درباغ آب ورنک دارند
 به نقشی خوشتر از اینان نه بینی
 زافرنج و خطائی یا که چینی
 لبان لعل شکر بار دارند
 ولي کم کین و کم آزار دارند
 ولي شوخند و مغرور و سبک کار
 نه بی آزار و نه خود اهل آزار
 اگر در پایشان افقی بخواری
 سرو دستار را باید گذاری
 وگر در پیششان چون سرو آزاد
 بجا ماندی زغم افتادی آزاد
 کهن دهکان به من باراز میگفت
 نهان از مردم غماز میگفت
 که با اینان بصلح و جنگ میباش
 کلوخ ار آیدت باسنگ میباش
 کز اینان هم جفا هم کام بینیم
 دعا بینیم وهم دشنام بینیم
 ولي افسوس کاینان خسته جانند
 خود از درد درونی ناتوانند
 کجا بیمار سازد کار بیمار
 به بیمار کسان در بند بیمار
 دعا کفتم در این جبار بستیم
 به پند مؤید ان درکار بستیم
 که جوینده یقین یابنده باشد
 اگر لطف خدا یابنده باشد

و پست دولت علیه ایران که روز قبل راسکندریه تشریف
 داشت و حرکت بطرف ایتالیا کرد الحق مجسمه دانش
 و بینش و درست کاریست و ما اطمینان کلی باستقبال شخصش
 داریم و اطمینان میدهم که اگر بعدها خطی شکایت آمیز
 برسد که اداره کمرک یا اداره پست چه کرده بدون آنکه
 در ضمن اخبار از آنها اسمی برده باشیم راساً با خود موسیو
 نوز مخا براه میگیرم و هم چنین رضا تیمدیرا خواهیم نکاشت
 محقق است که دیگر بدون آنکه در چهره نما اسمی برده
 بشود از شکایت یارضایت مثلاً یک دفعه غفلتاً همشهری ما
 (موسیو . . ارمنی جلفای اصفهان در سلطان آباد عراق
 یا جناب . . در بار فروش که یاست پست دارند می بینند
 معزول شدند یا مخلع گردیدند

* تقریظ از شماره ۱۳ *

طیبیم گفت تا بیمار سان رو
 بسوی روم وهم ان شارسان رو
 که دارد آبگیری رشک کوثر
 بدامان هواش بافه تر
 یکی دریا زمشک ان یک زکافور
 یکی رومی یکی زنی پر شور
 در ان تنه بیامیزند باهم
 چو شیرو شکر ریزند درهم
 کنار آبگیر از سرو و از کاج
 زمینو در طراوت میرد باج
 گلستانی پراز سوری و سنبل
 بشاخ کل بلند آوازه ببلبل
 سحر که ذکر توحیدش بود کار
 زند طعنه بدیرو کار زنار
 پاي سروش گوید فاخته راز
 کزین راهم ندارد هیچ کس باز

يکي پا در بمرگز کرده ستوار
 دگر يك در طلب چون پای پرکار
 که باید نقش انگلیون گرفتن
 پی لیلی چو مجنون گرفتن
 کشیدن رخت تا خاک اروپا
 گرفتن در بغل خوبان ترسا
 بد آوری دل و نقشی که باید
 مکر در حلقه اینان بباید
 اروپائی شنیدستی تو از دور
 ز چشم لعبتانش چشم بد دور
 همه شیرین لب و شکر دهانند
 برخ ماه و بقدر سرو روانند
 بسم خامشان تن در کوازه
 بگلگون رویشان از ناز غازه
 نسیم مویشان چون مشک تانار
 فروغ رویشان مه در شب تار
 همه چشمان زمی مخمور دارند
 ولی در عین مستی هوشیارند
 ز خواب آلوده ترکس رهز تانند
 همه در صورت و معنی جوانند
 مراد از چشمه حیوان دهانشان
 چو آب خضر ریزد از لبانشان
 بنار از ناز نینان باج گیرند
 بگاہ آشتی تاراج کیرند
 بشارستان اینان رشک مینواست
 چو کلخ دیگرانش برزن و کواست
 بدست علم خاک جهل رفته
 گل دانش بهر سویش شکفته
 درو دیوارش از غم نی سیه پوش
 ندارد کس ز جور دیگری جوش
 شه دهگان بیکدیگر برادر
 نداری ای پسر این حرف باور

بت و بتخانه (بودی) و (برهما)
 مسلمانان یهود و کبرو ترسا
 همه در جای خود دارند آرام
 نه خود از یکدیگر دارند کتنام
 بسکه زر زده نقش مواخات
 بیک روی و دگر رویش مساوات
 نه بینی فتنه جز در چشم خوبان
 نیازاری مگر از خشم خوبان
 خوش است این نقش اما گرده باید
 برنگ پهلوی پر ورده باید
 که دارد عیب هادر پرده بسیار
 درازست این سخن میباش هشیار
 زیبا کیزه تنی و پاک جانی
 درین صورت نمی بینم نشانی
 برایشان خوش بود این خط و این خال
 بما ناخوش بدیگر کونه احوال
 چگونه خون دل ریزم زخامه
 که باید مختصر عنوان نامه
 ز مجنون و وزان ناقه سواری
 ز فعل نافه و وان کند کاری
 بود کاندازه این کار گیری
 بخود آسان همه دشوار گیری
 دوزخ مختلف باهم نسازد
 یکی ناچار بر دیگر بتازد
 کهن عادات فرس و ترک و تازی
 که مارا کرده خوش سر کرم بازی
 نماید نقش زشت خود بناچار
 کند مارا بصد زحمت گرفتار
 وزیر از غم رخانش زرد گردد
 سمند پسر پیکر سرد گردد
 پیاده گردد در صفحه فرزین
 شه اقدامات و کردد محو آمین

مکتوب از اصفهان

ایدوای نخوت و ناموس ما * ایتو افلاطون و جالینوس ما

پس از ادای عرض تهنیت بر سیل حکایت نظریق
شکایت مجملی از وقایع این خاک پاک و کوه تابناک عرضه
میدارم اگر چه سمت وقایع نگاری نداشته ام اما امیدی
هست عرایض و وقایع بی غرضانه امرا در ستون جریده
ملی جای دهید نرخ ارزاق اصفهانرا خواسته باشید
کندم خرواری ده تومان پنیر ترمال اصفهان یکمن دوازده
قران شکر خشک مال هندوستان یکمن هشت قران ذوغال
یکمن بهار قران گوشت هشت قران چنانچه بخواهم جمع
مردم اصفهانرا بزیم از ده قسمت نه قسم ونیم بیکار یا مشغول
بکارهای حرف مفت هستند ونیم قسمت تاجر کاسب
زارع هستند جهت چیست همانا نبودن مکاتب و مدارس
اگر مکاتب داشتیم و اطفالرا بمدارس میسرردیم صاحب علم
میشدند باسواد میگردیدند حال که به بزرگی میرسیدند
مشتی حال و دسته رمال و فرقه نقال و طایفه دلال و جماعتی
میدان کرد و حیپ بر و حزبی روضه خوان و بندی و ...
نمی شدند اگر انصاف باشد بواسطه فقدان علم و معرفت
در این سواد اعظم هر کسرا ملاحظه میکنید بشکلی بلباس
کلاشی و قلاشی است هر چه شخص بهر طرف بنگرد اطفال
وطن و نونهالان کستان هستی باگر دههای کج و دستهای
دراز و پاهای برهنه در شتابند اگر بعضی بزرگان و اعیان
شهر که تمول بسزا دارند و وارث شرعی ندارند همت
میکردند مدرسه باز مینمودند و این اطفال معصوم را علم
میآموختند چه میشد جناب جلالآباجل اکرم میرزا
باقرخان منشی باشی احداث مدرسه باقریه را فرمود و اول
خشت کارخانه آدم سازی درین شهر گذاردند حال ملاحظه
شود چه خدمتی بزرگ نمودند حضرت اشرف والا شاهزاده
معظم ظل السلطان در فکر هستند اما خود غرضان بدنفس
مگر میگذارند نمیدانم این خارهای مغیلان چه زمانی
از جلوراه ترقیات برداشته میشوند حضرت والا ظل السلطان

چو مجنون او فتادستم به تردید
خدا و ندا ممکن توقع امید
که باید (چهره) سازم که تازاج
کند خوبی و از خوبان برد باج
مرا در بند لیلی زار مگذار
چو مجنون در کف تیار مگذار
به نقش خوش قلم را رهنمون کن
مجدد باز حرف کاف نون کن
سری خالی دلی پر درد دارم
ز درد جهل روئی زرد دارم
بدر کاهت نمودم عرض حاجات
اجابت راضیان دادی بدعوات
رهائی ده مرا زین رنج و تیار
ازین پیشم بخواه ای شاه بیمار
فروز از کاخ بینان روشنائی
به پیش آور حدیث آشنائی
مرات تو از در دولت گذارا
ذلیل و درد مند ستم خدارا
پا پر آبله چشم پر آب است
پی هر آب می بینم سراب است
چرا از لطف تو من دور ماندم
چرا من خسته و رنجور ماندم
زدیو بد منش آموختم کار
به بند نفس دون گشتم گرفتار
ز اخلاق نکو یگانه ماندم
چو دیو بی خرد دیوانه ماندم
بکین دیگر انم روز و شب کار
فکندم در بزرع تخم آزار
ازین تخمی که خود در کار کردم
روان خویشان ناپاک کردم

تقریباً بیست سال قبل اقدام در کار مدرسه و روزنامه کردند روزنامه فرهنگ که هفتاد و مرتبه طبع و توزیع میشد از اثر این شاهزاده بود مرحوم میرزا تقی خان را بجهت معلم کل مدرسه واقعه اول - بهار باغ کهنه حضرت والا طلیدند اما هنوز آن مخربین و مقلین در کارند جناب مستطاب حجۃ الاسلام آقای حاج آقا شیخ نور الله ثقته الاسلام مخصوصاً - بند مجلس در این خصوص و ترتیبات مدرسه بوضع جدید مذاکراتی فرموده اند اما منافقین دین و دولت و حاشیه نشینان متصل بادنجاهای خربوست دورقاب می بینند البته دکان خود فروشی آنها طبیعتاً دیگر بسته خواهد شد

بقیه دارد



اسکندریه

هوای اسکندریه با وجود موسم شتا و فصل سرما در کمال اعتدال و خرمی . نسیم فرح انگیزش رایحه ضمیران گشاید . و همه غمها بجنبشی براید . و شمیم مشک یزش عطر جان آرد . و زنگ از دلها بزاید . فضایش بگردار بهشت آدم . شکننده کروب و دافع الم . و صفایش همچون باغ ارم بچشند روح و رافع غم . کاهی باقتضای زمستان بارشی بارد و طراوت بر طراوت بیفزاید . و بزودی انقلاب و اختلاف زایل . و هوای اردی بهشت عامل گردد افسوس از بیچاره غمین . و آواره حزین . که بیاد بوستان وطن . نغمه سرائی دارد . و از صفا و لطافت و گرفته گی و کسافت بلاد دیگران بهره ندارد .

بازار پنبه بغایت کساد و بقراری که حساب کرده اند جنک اقصای شرق یکمیلیان زیادتیر خسارت به بازار پنبه مصر وارد آورده کم کم حجاج بعزم کعبه مقصود همه روزه وارد و خارج میشوند بقراین امسال حجاج ایرانی نسبت بسنوات گذشته کمتر بوده باشند اگر چه حالیه غیر معلوم

است اما محقق است این بلائی عامه که دست رد بر سینه بلدی نگذاشت شکستی به بازار حجاج و ... زد جناب موسیو نوز رئیس کمرکات و پست دوات علیه ایران از مصر وارد اسکندریه شدند هنگام ورودشان جناب مهران خان قونسل بایستگاه راه آهن حاضر شده و با عرابه مخصوص خود مشارالیه را سوار کرده متفقاً بمنزل حرکت کرده پس از صرف نهار و آنچه لازمه احترامات این مهمان محترم بود قونسل بجا آورده تا حرکت بطرف ایطالیا کردند الحق جناب مهران خان قونسل شخصی است که عروقتش از دوستی ابناء وطن و سینه اش از محبت دوات و سرش از عشق شاه پرستی پر است و تاحال آنچه از او ناشی شده دالست بر حقیقت و راستی و درست کرداری او (کواه شاهد صادق در آستین باشد بقراری که خبر نکارما از مصر خبر داده بود جناب بقاء السلطنه وزیر مقیم هم پذیرائی شایان از موسیو نوز کرده و متفقاً بحضور حضرت والا خدیو مصر رسیده و نوع ایران را سربلند کرده اند

تلکرافات عمومی

پترسبورغ - مخبر روتر خبر میدهد جماعتیکه طالب سلطنت مشروطه یا دستوری هستند زیاده از هزار نفر ندکه باصداهای بلند دور محکمه عدلیه را فرو گرفته پولیس انها را ممانعت میکند تقریباً شصت نفر مجروح از طرفین شده اند

مسکو - اعلحضرت امپراطور روسیه فرمانی صادر کرده اند بواسطه غامض بودن و درهم بودن مطالبش شورشیانرا تسکین حاصل نشده است و هر ساعت بلوا بالا میکرد

توکیو - جنرال اوکو خبر میدهد که غنیمت ژاپونیان در تل ۲۰۳ متری شش توپ قلعه کوپ و تفنگ بسیار و سیورسات بی اندازه بوده و مقتولین ژاپون هزار دویست نفر بشمار آمده

* مکتوب یکی از فضایی غیور طهران *

برادر مکرّم ۰۰ مدیر جریده چهره نما مختصری در مقام
تضمین اوقات بر آمده مینویسم اداره جات پست بر حسب
ظاهر آب ورنیکی دارد به باطن مثلاً پست تبریز دوازده روز
معتدل میشود و ۰۰۰ اخبار لایق درج در ستون
جریده آنست که جناب جلال‌آب اجل امجد عالی افای نصر
السلطنه که سابقاً حکومت گیلانرا داشتند و احبای آن بلاد
مینه را می نمودند امروز بچکرانی محال اردبیل و مشکین ماور
شدند و خواسته اند در انجا مدرسه دایر کنند بجناب
مستطاب شریعت مآب افای حاج میرزا حسن افای مدیر مدرسه
مبارکه رشیده اظهار ازین نیت مقدس داشته افای معظم
الیه معلم باندارکات لازمه مکتب از کتب جدید و ما یلزم
دیگر بآردبیل فرستادند امید وارم که این شهر سه حدیث
نیز بهتر از رشت یا مثل آن معمور گردد بشرط اینکه دوام
وقوایی در استلامت حکومت باشد زیرا که تبدیل ده نفر
حاکم بیک حکومت اگر مستلزم آبادی یا خرابی آن ولایت
است در عهده حکومت هرده نفر بیک جوراست بخلاف
این مرد غیور وطن پرست که آبادی شهر رشت که تالی
بلاد او روپاست در عرض صد سال منحصر بحدت حکومت
این مرد محترم بوده است و بس

از اینده دینیه که قابل افتخار ملت اسلامیه است یکی
مسجد شاه طهرانست که در مرکز شهر واقع شده و نماز
جمعه را در انجا امامت بسته میشود ۰۰ چون مرکزیت
انجا غایت اهمیت داشته است لهذا درون و برونش دائم مملو
از اصناف کسبه و فروشنده ها بوده است ۰۰۰ بعد از فوت
مرحوم امام جمعه که تولیت مسجد به عهده جناب مستطاب
ملاذ الاسلام مرجع الخواص والعوام افای حاج میرزا ابو
القاسم افای مجتهد اطال اه افضاله موکول شد بجای کسبه ها
جلوخان مسجد همه کتافروش آورده مبنی بر سهولت امر
طلاب مدارس مجاوره مسجد افزوده است ۰۰۰ و بجای
فروشند های پاگرد داخله مسجد چند نفر را مسئله گوی

بینا برای مردها و چند نفر مسئله گویه اعمی برای زنها
و چند نفر معلم تجوید نشانده حوضه های مذهبی دایر ۰۰۰
اگر تقدیر الهی چندی محض تقویت اسلام عمر و دوام بر این
وجود مقدس بیخشد بی شک تمام شهر طهران بهر نقطه
بمقتضیای خود این هیئت صلاح را خواهد یافت و تعمیرات
جدیده حدیده که در این مسجد فرموده اند شرح مخصوصی
لازم دارد عجله وقت ضیق است و بقیه به بعد موکول است

(* چهره نما *)

چه میشد سایر رؤسای روحانی ایران نامی بوجود مبارک
حضرت امام جمعه طهران مینمودند و نیات عالیه انشخص دین
دولت خواه را اقتباس کرده و پیرویه مینمودند تا ملت
در سایه تمدن ظراوتی پیدا نموده چشم کوشهارا باز کرده
جنبشی هوشیارانه در هیئت جامعه دولت و ملت که در همه
جاهمعتان و حکم واحد دارند میافتاد مضمورها معمور کلخنها
کاشن میکردید بخدای لایزال ان اثری که در کلام حقه
علمای ملت هست و باندرکی میتوان تصدیق کرد که ملت
وحشی بمعارج ترقیات عروج کنانند در دو ملیان نفوس
ویک کرور اراده توپ کروپ نیست بدون آنکه سرها چون
گوی در میدان بغلطد احبای ملیت و تنسیج قومیت خواهد
شد از خدا خواهانیم که بز توفیقات و تأییدات این بزرگوار
مرد دین دار اسلامیت و انسانیت نواز بیفزاید که در مرکز
طهران که دار الخلافه است بسا علائم خوشوقتی دایر
بفرمایند که باندرکی بسایر نقاط و بلاد ایران سرایت کرده
اقایان و رؤسای روحانی اقتباس و اجرا دارند و هم چنین امید
واریم که در اردبیل که از نقاط مهمه ایرانست از کفایت
و وطن پرستی و ملت خواهی جناب نصر السلطنه عما قریب
مدرسه دایر و ما از شرح امتحان و ۰۰ صفحات چهره نما را
زینت دهیم * اعلان *

تمامی و کلای عظام حتی وکیل مرکزی طهران جناب
اقا سید میرزا وکیل جراید فارسی و عربی باید حقوق اداره
را با رأساً بفرستند یا به تجارنخانه که معین میکنیم بپردازند